



جلسه: ۶۱
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۸/۲۲

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: أدله ضمان کاهش ارزش پول
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بسم الله الرحمن الرحيم

أدله ضمان کاهش ارزش پول

بحث در ادله ضمان کاهش ارزش پول قرار دارد که در این زمینه چهار وجه مطرح شده و مورد بررسی قرار گرفت.

ه:روایت اسحاق بن عمار

پنجمین دلیل برای اثبات ضمان کاهش ارزش پول، روایت اسحاق بن عمار است که در آن آمده است:

و [محمد بن یعقوب] عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا إِبرَاهِيمَ عَ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لِي عَلَيْهِ الْمَالُ فَيَقْبِضُنِي بَعْضًا دَنَانِيرَ وَ بَعْضًا دَرَاهِمَ فَإِذَا جَاءَ يُحَاسِبُنِي
لِيُؤْفِقُنِي يَكُونُ قَدْ تَغَيَّرَ سِعْرُ الدَّنَانِيرِ أَيْ السَّعْرَيْنِ أَحْسَبُ لَهُ الَّذِي كَانَ يَوْمَ أُعْطَانِي الدَّنَانِيرَ أَوْ سِعْرَ يَوْمِي الَّذِي
أَحَاسِبُهُ فَقَالَ سِعْرُ يَوْمٍ أُعْطَاكَ الدَّنَانِيرَ لِأَنَّكَ حَبَسْتَ مَنَفَعَتَهَا عَنْهُ.^۱

در این روایت امام علیه السلام بیان کرده اند که قیمت روزی که بدهکار دینارها را به طلبکار داده است، محاسبه می شود. امام علیه السلام در تعلیل این مطلب بیان کرده اند که بدهکار، منفعت دینارها را حبس کرده است که این تعبیر، ظهور در کاهش قیمت دینارها دارد و امام علیه السلام بیان کرده اند که در روز پرداخت، قیمت دینارها بیشتر بوده است و همان روز باید محاسبه شود. بنابراین استفاده می شود که جبران کاهش ارزش پول، لازم است و قیمت روز محاسبه در نظر گرفته نمی شود تا به طلبکار ضرر وارد شود. علت هم این است که بدهکار منفعت دینارها را حبس کرده است.

علت ذکر شده قاعده کلی است و امکان تعدی از آن وجود دارد و لذا استفاده می شود در هر موردی که منفعت مال دیگری حبس شده باشد، باید آن منفعت نیز پرداخت گردد. به عنوان مثال اگر بدهکار صد هزار تومان از دیگری گرفته و بخواهد بعد از ده سال آن را پرداخت کند، باید قیمت روزی که قدرت خرید بیشتر داشته است را پرداخت کند؛ چون منفعت پول همان قدرت خرید آن است. در نتیجه روایت اسحاق بن عمار دلیل بر ضمان کاهش ارزش پول خواهد بود.

مناقشه

به نظر ما در این استدلال مناقشاتی قابل طرح است:

۱- روایت اسحاق بن عمار مرتبط با بحث کاهش ارزش پول نیست، بلکه مربوط به نوسانات قیمت درهم و دینار در معاملات آنها با یکدیگر است؛ چون در این روایت، بدهکار بخشی از بدهی خود را دینار و بخش دیگر را درهم داده است و می خواسته است که بعداً محاسبه انجام دهد که امام علیه السلام روز پرداخت را معیار قرار داده اند؛ چون از آن زمان به بعد، درهم و دینارها از دست بدهکار خارج شده و در اختیار طلبکار بوده اند و لذا باید منفعت آنها نیز محاسبه شود. در نتیجه روایت اسحاق بن عمار ربطی به کاهش ارزش پول نداشته و اجنبی از آن است.

۱. وسائل الشیعة ۱۸: ۱۸۳.



جلسه: ۶۱
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۸/۲۲

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: أدله ضمان کاهش ارزش پول
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

۲- روایت اسحاق بن عمار اختصاص به درهم و دینار دارد که امکان تعدی از آنها وجود ندارد.

البته اگر تعلیل تمام باشد، ممکن است گفته شود که با روایات پیشین متفاوت است و در غیر درهم و دینار نیز قابل استناد است.

مطرح نبودن شبهه ربا در موارد ضمان کاهش ارزش پول

تاکنون مباحث مربوط به ضمان یا عدم ضمان کاهش ارزش پول مطرح گردید. در این مجال لازم به ذکر است که اگر قول به ضمان کاهش ارزش پول مورد پذیرش قرار گیرد، شبهه ربا که در کلمات برخی مطرح شده، اساساً مطرح نیست و بحث ربا اجنبی از بحث جبران کاهش ارزش پول است؛ چون بحث در ضمان بودن بدهکار نسبت به قدرت خرید پول در نظر شارع است و اگر شارع، بدهکار را نسبت به قدرت خرید نیز ضمان قرار داده باشد، ربطی به شرط کردن زیاده توسط خود طلبکار ندارد. به عبارت دیگر ربا در صورتی است که خود طلبکار زیاده را از بدهکار مطالبه کند، اما در صورت پذیرش ضمان کاهش ارزش پول، پرداخت کردن مال توسط طلبکار به شرط زیاده نیست بلکه خود شارع، پرداخت زیاده را لازم دانسته است.

بنابراین اگرچه بر اساس نظریه ضمان کاهش ارزش پول، بدهکار باید به لحاظ عددی، مبلغ بیشتری پرداخت کند، اما پرداخت این زیادی، ربا نیست؛ چون ربا، شرط زیادی از سوی طرفین است و فرض این است که طرفین شرط نکرده اند و خود شارع این پرداخت را لازم دانسته است. مطلب بالاتر این است که اگر شارع ضمان کاهش ارزش پول را جعل کرده باشد، حتی شرط کردن پرداخت آن از سوی خود طرفین معامله نیز مشکلی ایجاد نمی کند؛ چون به جهت حکم شارع، بدون شرط کردن نیز پرداخت آن مقدار زیادی لازم است و شرط کردن آن لغو است.

بنابراین این دلیل بر عدم ضمان کاهش ارزش پول که اگر بنا باشد بدهکار ضمان کاهش ارزش پول باشد، ربا رخ می دهد، مطلب صحیحی نیست.

بررسی مناشی و عوامل کاهش ارزش پول

تاکنون روشن گردید که أدله ضمان، دلالت بر ضمان کاهش ارزش پول می کنند. بعد از این مطلب، لازم است عوامل و مناشی کاهش ارزش پول مورد بررسی قرار گیرد؛ چون حکم مطلق به ضمان بدهکار صحیح نیست و نمی توان به صورت کلی حکم کرد که بدهکار ضمان کاهش ارزش پول است.

در بحث عوامل کاهش ارزش پول، در کلمات اقتصاددانان، عواملی همچون افزایش تقاضا، کم شدن کالاها، افزایش هزینه تولید یا افزایش هزینه خدمات مطرح شده است. اما به نظر ما در بررسی این مسأله، باید بین گران شدن کالاها و کاهش ارزش پول تفاوت گذاشته شود؛ در حالی که در اصطلاح اقتصاددانان، تورم، اصطلاح عامی است که شامل گرانی کالاها و کاهش ارزش پول می شود. البته در بحث حاضر وارد بحث از راههای تشخیص گرانی کالا و کاهش ارزش پول نمی شویم و به موارد قدرمتیقن اکتفا می کنیم، اما نکته مهم این است که بحث حاضر، اختصاص به موارد کاهش ارزش پول دارد و افزایش قیمت را شامل نمی شود. وقتی هزینه تولید یا خدمات زیاد می شود، کالاها گران می شوند. به عنوان مثال وقتی در داخل در یک کشور، نهادهای دامی آماده نشده و مجبور به واردات گردند، با توجه به افزایش هزینه های مربوط به حمل و نقل و...، در مرحله بعد، افزایش قیمت گوشت گوسفند رخ می دهد.



جلسه: ۶۱
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۸/۲۲

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: أدله ضمان کاهش ارزش پول
استاد: علی عندیابی دام ظلّه

این افزایش قیمت، کاهش ارزش پول نیست، بلکه گرانی کالا است که در اثر افزایش هزینه های واردات و عرضه آن رخ داده است که این موارد در بحث حاضر مطرح نمی گردند.

کاهش ارزش پول توسط حکومت

در برخی موارد، کاهش ارزش پول در اثر اقدامات حکومت صورت گرفته و مستند به آن است. در این زمینه می توان به چاپ و خلق پول اشاره کرد. در مواردی که حکومت، توان پرداخت حقوق کارمندان و سایر تعهدات و هزینه های خود را نداشته باشد و مجبور گردد که برای جبران کسری بودجه خود، دست به چاپ پول و خلق آن بزند، با تجاوز نقدینگی از حد استاندارد خود، به جهت افزایش تقاضایی که در بازار ایجاد می شود، پول آن کشور دچار کاهش ارزش شده و مردم مجبور خواهند بود که برای خرید کالا، مقدار بیشتری از پول پیشنهاد دهند. کاهش ارزش پول در این موارد را می توان با مقایسه قیمت کالاها با سایر پول ها به دست آورد. به عنوان مثال اگر صد دلار، معادل ۳۷۵ ریال عربستان و ۱۰۰ هزار تومان ایران باشد، بعد از خلق پول مشاهده می شود که کماکان ۱۰۰ دلار و ۳۷۵ ریال معادل یکدیگر هستند و با آنها همان کالاها را قبل قابل خریداری است، اما آن کالاها به پول ایران، تبدیل به ۵۰۰ هزار تومان شده اند. در این صورت، کالاها گران نشده اند، بلکه ارزش پول ایران کاهش پیدا کرده و قدرت خرید آن کاشته شده است. اما اگر گرانی، ناشی از افزایش هزینه های تولید و مواردی از این قبیل بوده باشد، قیمت کالاها به دلار یا ریال عربستان نیز دچار افزایش می شود.

بنابراین بین کاهش ارزش پول و گران شدن کالاها تفاوت وجود دارد.

أدله عدم جواز خلق پول توسط حکومت

با توجه به اینکه خلق پول بیش از مقدار استاندارد توسط حکومت، موجب کاهش ارزش پول می شود، أدله ای مطرح شده است که خلق پول برای حکومت جایز نیست.

الف: پول نبودن از نظر شرعی

در مواردی که خلق پول موجب کاهش ارزش پول های موجود در دست مردم می شود، به لحاظ شرعی، اساساً پول های چاپ شده، پول محسوب نمی شوند و لذا انتشار آنها، مخلوط کردن پول با غیر پول و تصرف عدوانی در مالیت پول مردم است؛ چون انتشار آنها موجب می شود که مالیت پولهایی که در اختیار مردم است، کاهش پیدا کند. در نتیجه بر حکومت جایز نیست که چنین کاری انجام دهد و باید ارزش پول را به مقدار سابق برگرداند.

البته این مطلب در صورتی است که چاپ پول مشتمل بر مصلحت ملزمه نباشد؛ چون ولایتی که شارع برای حکومت قرار داده، مختص مواردی است که اقدامات او برای مصالح عمومی مردم باشد و در مواردی که مصلحت عمومی لزومی وجود ندارد و حکومت صرفاً به جهت تسهیل در امر حکومت اقدام به چاپ پول می کند، اساساً حق اعمال ولایت ندارد و از نظر تکلیفی و وضعی نمی تواند پول های بیشتری اعتبار کند و اگر چنین اقدامی انجام دهد، ضامن مالیت مال مردم خواهد بود. اما اگر چاپ پول مشتمل بر مصلحت ملزمه باشد، یعنی امکان اداره کشور با پول های موجود وجود نداشته باشد و امکان به دست آوردن پول از راه



جلسه: ۶۱
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۸/۲۲

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: أدله ضمان کاهش ارزش پول
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

های دیگر از قبیل تجارت یا مالیات گرفتن از مردم^۱ وجود نداشته باشد، چاپ و انتشار پول های جدید جایز خواهد بود؛ چون از لوازم لاینفک حکومت است. در این موارد با توجه به اینکه خلق پول و کاهش دادن ارزش پول های موجود در اختیار مردم به حق بوده است، دولت نیز ضامن نخواهد بود.

ب: أدله ناهی از ظلم

دلیل دوم برای عدم جواز خلق پول توسط حکومت، أدله ناهی از ظلم از قبیل «وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا»^۲ است؛ چون اگر حکومت بخواهد بدون وجود مصلحت، اقدام به چاپ و انتشار پول کند، به جهت کاهش یافتن ارزش پول های مردم، ظلم بر آنان کرده است که مسلماً حرام است و از نظر وضعی نیز برای حکومت، ولایتی برای اعتبار پول وجود ندارد.

ج: روایات قاعده عدم ذهاب حق مسلمین

سومین دلیل برای عدم جواز خلق پول توسط حکومت، روایات مربوط به قاعده عدم ذهاب حقوق مسلمین است که بر اساس آنها، کسی حق ندارد که حقوق مسلمین را از بین ببرد. این در حالی است که خلق پول و انتشار آن موجب از بین رفتن و کاهش ارزش پول مسلمین می شود. در نتیجه أدله مذکور دلیل خواهند بود که خلق پول از نظر تکلیفی جایز نیست و از نظر وضعی نیز خلق پول موجب مالیت شرعی برای پول های ایجاد شده نمی شود.

د: روایت عبدالله بن سنان

چهارمین دلیل برای عدم جواز خلق پول توسط حکومت، صحیحی عبدالله بن سنان است که در آن آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ وَابْنِ سِنَانَ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ لَحِقَتْ امْرَأَتُهُ بِالْكَفَّارِ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقِبْتُمْ فَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِثْلَ مَا أَنْفَقُوا - مَا مَعْنَى الْعُقُوبَةِ هَاهُنَا قَالَ أَنْ يُعَقَّبَ الَّذِي ذَهَبَتْ امْرَأَتُهُ عَلَى امْرَأَةٍ غَيْرِهَا يَعْنِي يَتَزَوَّجُهَا بِعَقَبٍ فَإِذَا هُوَ تَزَوَّجَ امْرَأَةً غَيْرَهَا فَإِنَّ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُعْطِيَهُ مَهْرَهَا مَهْرَ امْرَأَتِهِ الدَّاهِبَةِ قُلْتُ فَكَيْفَ صَارَ الْمُؤْمِنُونَ يَرُدُّونَ عَلَى زَوْجِهَا بَعِيرٍ فَعَلِ مِنْهُمْ فِي ذَهَابِهَا وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَنْ يَرُدُّوا عَلَى زَوْجِهَا مَا أَنْفَقَ عَلَيْهَا مِمَّا يُصِيبُ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ يَرُدُّ الْإِمَامُ عَلَيْهِ أَصَابُوا مِنَ الْكُفَّارِ أَمْ لَمْ يُصِيبُوا لِأَنَّ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُجِبَرَ جَمَاعَةً مِنْ تَحْتِ يَدِهِ وَإِنْ حَضَرَتِ الْقِسْمَةُ فَلَهُ أَنْ يَسُدَّ كُلَّ نَائِبَةٍ تَتَوَّبُهُ قَبْلَ الْقِسْمَةِ وَإِنْ بَقِيَ بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ يُقْسِمُهُ بَيْنَهُمْ - وَإِنْ لَمْ يَبْقَ لَهُمْ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ^۳

به نظر ما محمد بن عیسی ثقة است و لذا روایت به لحاظ سندی صحیحی است.

۱. حکومت صرفاً در مواردی می تواند از مردم مالیات دریافت کند که امکان اداره کشور با سایر درآمدها وجود نداشته باشد و ضرورت اقتضای دریافت مالیات داشته باشد؛ لذا به عنوان مثال برای توسعه امور رفاهی مردم همانند ساخت پارک، ورزشگاه و... نمی توان مالیات دریافت کرد؛ اما در عین حال در برخی شرایط، امکان دریافت مالیات هم وجود ندارد و توالی فاسدی همچون اغتشاش و اعتراض به همراه دارد.

۲. سوره کهف ۴۹.

۳. وسائل الشیعة ۲۱: ۲۸۶.



جلسه: ۶۱
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۸/۲۲

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: أدله ضمان کاهش ارزش پول
استاد: علی عندیابی دام ظلّه

این روایت درباره کسی است که همسر او مهریه‌اش را دریافت کرده و بعد از فرار کردن، ملحق به کفار شده است. از امام علیه السلام در مورد تعبیر «عاقبتم» که در آیه ۱۱ سوره ممتحنه ذکر شده، سؤال شده است. امام علیه السلام فرموده‌اند: این تعبیر به این معنا است که مردی که همسر او فرار کرده است، با زن دیگری ازدواج کند و وقتی ازدواج کرد، بر امام علیه السلام لازم است که مهریه زنی را که فرار کرده است، به آن مرد پرداخت کند؛ چون فرض این است که آن مرد، مهریه‌ی زوجه اول خود را پرداخت کرده است ولی آن زن، مهریه‌ای که دریافت کرده را همراه خود برده و فرار کرده است. تا این بخش از روایت مربوط به مورد خاصی است که صرفاً در همان مورد قابل استناد است، اما در ادامه‌ی روایت از امام علیه السلام در مورد وجه این مسأله سؤال شده است که بیت‌المال متعلق به همه مسلمانان است و آنها نیز دخالتی در فرار کردن آن زن نداشته‌اند. از چه باب باید خسارت وارد شده بر آن مرد، از بیت‌المال تأمین گردد؟ امام علیه السلام در پاسخ به این سوال، به کبرای کلی اشاره کرده‌اند که بر امام علیه السلام واجب است که خسارت‌های وارد بر کسانی که تحت حکومت او زندگی می‌کنند و شهروند او محسوب می‌شوند را جبران کند.

بنابراین از این روایت استفاده می‌شود که حکومت بما هو حکومت نمی‌تواند ارزش پول مردم را کم کرده و به مردم خسارت وارد کند بلکه خسارت‌های مردم را که نهایتاً به خاطر مصالح نظام پیش آمده، جبران کند. در مورد این روایت ممکن است ادعای اطلاق شده و گفته شود که خسارت از هر ناحیه‌ای اعم از اسباب طبیعی مانند زلزله، سیل و سایر عوامل باشد، بر حکومت اسلامی لازم است که خسارت‌های وارد شده را جبران کند. اطلاق روایت هم ثابت نباشد، حداقل این است که جبران ضررهای وارد شده توسط خود حکومت یا دشمنان را شامل می‌شود و از این جهت عمومیت دارد؛ چون بسیاری از ضربه‌هایی که دشمنان وارد می‌کنند، به جهت اسلامی بودن حکومت است. وقتی جبران خسارت لازم باشد، به طریق اولی بر حکومت جایز نیست که به مردم خسارت وارد کند. البته روشن است که ضرورت جبران ضررهای وارد شده بر شهروندان، در صورتی است که حکومت اسلامی مبتلا به تراحم نشده باشد و امکان جبران خسارت وجود داشته باشد و الا الأهم فالأهم مراعات می‌شود.

تاکنون أدله عدم جواز خلق پول توسط حکومت اسلامی مطرح گردید. در پایان اشاره به این نکته لازم است که مطالب ذکر شده، مقتضای بحث علمی و اجتهادی است. اما اگر ولیّ فقیه از أدله ولیّ فقیه استنباط کرده باشد که حیطة ی ولایت او بیش از مقدار ذکر شده است و بر اساس آن حکم صادر کند، بر دیگران لازم است که حکم او را مراعات و اطاعت نمایند کما اینکه مشابه این مطلب را در مورد رؤیت هلال بیان کرده ایم که اگر ولیّ فقیه طبق مبنای کفایت رؤیت هلال با چشم مسلح، حکم به روز اول ماه کند، حتی بر کسانی که این مبنا را به لحاظ فقهی نپذیرفته‌اند، لازم است که حکم ولیّ فقیه را پذیرفته و اطاعت کنند. در محل بحث نیز اگر ولیّ فقیه قائل شده باشد که علی الاطلاق حق خلق پول دارد، بر سایرین لازم است که از او اطاعت کرده و حق مخالفت ندارند ولو اینکه از نظر استظهاری و استنباطی به این نتیجه رسیده باشند که ولیّ فقیه علی الاطلاق اختیار ندارد که خلق پول کند.